

اسوه بودن حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها)

فاطمه حسینی^۱

خدیدجه جلالی^۲

چکیده

انسان‌ها در زندگی خود (مادی و معنوی) همواره نیازمند به راهنما و الگو بوده‌اند. این نیاز در حیات معنوی و رشد و بالندگی روح آنان برای رسیدن به کمال مطلوب بیش از هر چیزی محسوس بوده است. خداوند از آغاز خلقت به تناوب و اقتضای زمان و در دوره‌های مختلف انسان‌هایی را فراتر از انسان‌های معمول و عادی در جوامع گوناگون بشری آورده است. در این عرصه با توجه به حکمت و رأفتش نسبت به بندگان، پیامبران و حضرات معصومین (علیهم السلام) را به عنوان آئینه‌های تمام‌نمای هدایت بشری قرار داده تا غرض اصلی از خلقت که همان هدایت به سوی توحید و یکتاپرستی است، محقق شود. به حکم عقل و فطرت، طی این مسیر بدون بهره‌مندی از تعلیم و آموزه‌های ناب ائمه هدی امکان‌پذیر نیست. به گواهی قرآن و روایات همچنین متون ادعیه و زیارات، پیامبران و امامان به عنوان بارزترین نشانه و بهترین الگو و اسوه هستند که خداوند برای جوامع بشری فرستاده است. در میان انوار درخشان، به شهادت امامان معصوم (علیهم السلام)؛ حضرت فاطمه (سلام الله عليها) را کوثر زلال بهشتی، سرچشمه پاک و شفاف خلقت، چشمه سار عصمت و امامت، که از مرکز فیض بهره‌مند و سیراب می‌گردد، انسان کامل و شاخص‌ترین اسوه معرفی می‌کنند. در این مقاله بر آنیم تا با استناد به آیات و روایات و برشمردن ویژگی‌های شاخص حضرت فاطمه (سلام الله عليها) ثابت کنیم که ایشان انسان کامل و شاخص‌ترین اسوه و الگو برای تمام جوامع بشری است که از جانب خداوند تعیین شده است.

کلید واژه‌ها: اسوه، مقتدا، حضرت فاطمه (سلام الله عليها)، عصمت، امامت

مقدمه

حضرت فاطمه (سلام الله عليها) حقیقتی بی‌مانند است که جز در سایه سار قرآن و کلام معصومین (علیهم السلام) نمی‌توان بدان دست یافت. ایشان اسوه‌ای پسندیده از جانب منشاء نور لایزال الهی است که مطلع انوار علوی و دارای مقام معنوی والای عصمت کبرای الهی، نبوت، امامت و مشکات ولایت است و مقام خلیفه الهی دارد. حضرت فاطمه (سلام الله عليها) حقیقت ام‌الکتاب است که مصداق آیه «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا الْوَلُؤُؤُ وَالْمَرْجَانُ» (الرحمن (۵۵) آیه ۱۹-۲۰) است. حضرت فاطمه (سلام الله عليها) شجره طیبه - ای است که بنیه و سینه و پاره‌ی تن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مایه برکت و خیر کثیر است. سیده زنان بهشت، صاحب معرفت ناب، حکمت زلال و علوم لدنی و افاضی الهی است. ام‌اینها و ام‌الائمه و انسیه حوراء هستند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «لَمَّا عَرَجَ ...، فِاطِمَةُ حَوْرَاءُ اِنْسِيَّةٌ فَكَلَّمَا اشْتَقَّتْ اِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمَمْتِ رَائِحَةَ ابْنَتِي فِاطِمَةَ.» (ابن صدوق، بی تا الف: ۲/۴۱۴). هنگامی که به آسمان عروج کردم ...، پس فاطمه

۱ طلبه سطح ۲ (کارشناسی) حوزه علمیه کوثر

۲ استاد و مدرس حوزه و دانشگاه

حوریه‌ای به شکل انسان است و من هر گاه مشتاق بوی بهشت می‌شوم، بوی دخترم فاطمه را استشمام می‌کنم. دارای همسری؛ معصوم، انسان کامل صاحب مقام امامت حقیقه و حجت تام و کامل است. مقصود هستی و غایت آفرینش است که هستی و آفرینش به طفیل وجود او موجودند.

مصدق آیات مباحله، تطهیر، مودت، هل اتی، مقربین و ليله قدر و یوم الله است. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) قرآن ناطق و محور آل کساء و خامس آل عبا، کلمه الله، مرکز پرگار عشق و برترین و شاخص‌ترین اسوه برای همه انسان‌ها است.

در این مقاله که به روش اسنادی و با استناد به آیات قرآن و روایات انجام شده در صدد اثبات اسوه بودن حضرت فاطمه (سلام الله علیها) هستیم. بنابراین ابتدا معانی لغوی و اصطلاحی کلمه اسوه را بیان می‌کنیم و سپس به ضرورت داشتن اسوه، ویژگی‌های اسوه، اسوه‌های قرآنی و شرایط اسوه می‌پردازیم و با استناد به آیات و روایات ثابت می‌کنیم که حضرت فاطمه (سلام الله علیها) انسانی کامل و اسوه و الگوی انسان‌ها است.

۱. معنای لغوی واژه «اسوه»

«اسوه» اسم ثلاثی مجرد است که معنای مصدری هم از آن استنباط می‌شود (درویش، ۱۴۲۵: ۱۴۶-۲۱-۲۲). از ریشه «اس و» و «اس ا» به معنای مداوا و اصلاح است. (ابن فارس، ۱۴۴۰: ۱۰۵). اسوه و اسوه بر وزن قدوه و قدوه، در جائی بکار می‌رود که انسان در نیکی و بدی از دیگری تبعیت و پیروی می‌کند، هم در شادمانی هم در زیان‌مندی (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ۱۷۴-۱۷۵/۱). خداوند تعالی می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (الأحزاب (۳۳) آیه ۲۱).^۱

در آیه فوق خداوند اسوه و نمونه را با واژه حسنه - یعنی صفت نیکو وصف کرده است. عبارت - تأسیت به - یعنی به او تأسی جستم و - آسی - یعنی حزن و اندوه، و حقیقتش اندوهگین شدن برای چیزی است که از دست رفته و فوت شده است، گفته می‌شود - آسیت علیه آسی - و آسیت له - یعنی بر او یا برای او افسوس خوردم و محزون شدم.

خداوند تعالی فرمود: «فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (المائده (۵) آیه ۲۶). بر کافران افسوس مخور (که البته پس از اِنداز و اِتمام حجت و ارائه آیات و دلائل است). در آیه: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» (البقره (۲) آیه ۲۱۳؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱۹۱-۱۹۳/۱). مردم همواره، صنفی واحد و بر روشی واحدند، در ضلالت یا در کفر. در آیه: «وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً» (هود (۱۱) آیه ۱۱۸؛ همان)؛ یعنی در ایمان. در آیه: «وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» (آل عمران (۳) آیه ۱۰۴؛ همان). گروهی که علم و عمل صالح را بر می‌گزینند و برای سایرین الگو و اسوه هستند.

در آیه: «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ» (الزخرف (۴۳) آیه ۲۲؛ همان). بر کیش و آئینی جمع کننده. سپس می‌گوید ما هرچه داشتیم در راهشان فدا کردیم و آنها را اسوه و الگوی نفس خویش قرار دادیم.

۲. معنای اصطلاحی واژه «اسوه»

برای اسوه دو معنای اصطلاحی بیان شده است: الف) الگو و مقتدا (معین، ۱۳۷۱: ۲۷۶)؛ سرمشق، پیشوا (ابن-منظور، ۱۴۱۴: ۱/۱۴۷) است که امروز در این منظور کاربرد دارد. ب) مداوا و علاج و مرهم؛ که درد، غم یا سختی امور را کاهش می‌دهد.

مترادف واژه اسوه

سرمشق، نمونه، مدل، الگو، پیشوا، مقتدا

متضاد واژه اسوه^۲

اسوه در آیه ۲۱ سوره احزاب با صفت حسنه آمده؛ یعنی در اعمال و اقوال رسول خدا برای شما سرمشق خوبی هست، به معنی هر نعمت خوش آیند و شاد کننده که به انسان می‌رسد و سیئه ضد آن است (قرشی، ۱۳۷۱: ۲/۱۳۴). در معنای حزن و اندوه و متضادش شادی و سرور است.

تبیین واژه اسوه در قرآن

کلمه اسوه در قرآن سه بار - دو بار در سوره ممتحنه و یک بار در سوره احزاب - بکار رفته است. واژه اسوه با توجه به متن قرآن کریم، از جایگاه ویژه‌ای در همه دوران زندگی شخص برخوردار است و مهم‌ترین آن در سوره احزاب بدون هیچ قیدی معرفی شده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند. ایشان در تمام مسائل بهترین اسوه برای مسلمانان می‌باشند.

در قرآن کریم بیش از ۱۲۲ مورد از داستان پیامبران، جهت تربیت اخلاقی انسان‌ها استفاده می‌کند؛ در آیه: «وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ» (ص (۲۳) آیه ۴۱) به یاد آور بنده ما ایوب را آن زمان که پروردگار خود را ندا داد که شیطان مرا دچار عذاب و گرفتاری کرد. و در آیه: «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَبَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرِيفًا» (مریم (۱۹) آیه ۱۶) در این کتاب مریم را یاد کن آن دم که در مکانی در طرف شرقی مسجد از کسان خود کناره گرفت.

و گاه برای اسوه سازی در جهت مثبت یا منفی از صفات کلی استفاده شده است: درباره متطهرین می‌فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٌ...» (البقره (۲) آیه ۲۲۲) از تو از مسأله حیض می‌پرسند بگو آن آزاری است برای زنان پس باید که از زنان در حال حیض کناره گیری کنید و با ایشان نزدیکی جنسی ننمائید تا وقتی که پاک شوند پس همین که غسل کردند می‌توانید آن طور که خدا دستورتان داده با ایشان نزدیکی کنید که خدا مردم تائب را دوست می‌دارد و آنهایی را هم که در پی پاک شدن هستند دوست می‌دارد.

و درباره متقین می‌فرماید: «وَ اْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ...» (المائده (۵) آیه ۲۷). ای محمد داستان دو پسران آدم را که داستانی است به حق - و خالی از خلاف واقع - برای مردم بیان کن که هر دو در راه خدا و به منظور نزدیک شدن به او چیزی پیشکش کردند، از یکی از آن دو قبول شد، و از دیگری قبول نشد، آنکه قربانیش قبول نشد به آنکه از او قبول شد.

و درباره محسنین می‌فرماید: «آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ» (الذاریات (۵۱) آیه ۱۶) در حالی که به آنچه پروردگارشان به ایشان می‌دهد راضی‌اند، چون در دنیا از نیکوکاران بودند.

و درباره ظالمین می فرماید: «أَفَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ» (الزخرف (۴۳) آیه ۵) آیا به جرم اینکه شما مردمی اسراف گرید از فرستادن قرآن به سوی شما صرف نظر کنیم؟ و «كَذَّابٍ آلِ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ...» (الأنفال (۸) آیه ۵۴) (و) مانند شیوه دودمان فرعون و آنان که قبل از ایشان بودند (که) تکذیب کردند آیات پروردگارش را، پس ما بخاطر گناهانشان هلاکشان کرده و خاندان فرعون را غرق نمودیم، همه شان ستمگران بودند.

ضرورت اسوه

انسان ها در مسیر حرکت به سوی کمال همواره با مشکلات و سختی هایی مواجه هستند؛ از این رو نیازمند اسوه یا مقتدایی هستند تا با تأسی به او در اعمال و رفتار، موجبات آرامش و امنیت خود را برای موفقیت در رسیدن به کمال فراهم آورند و روح تلاش را در خود تقویت کنند. با توجه به ویژگی ها و توانایی های انسان در عدم تشخیص صحیح مصلحت هایش نیاز به اسوه بسیار محسوس بوده به طوری که بُعد وسیعی از زندگی او را در برمی - گرفته است. اشاره متن قرآن کریم به اسوه های خوب و بد از زنان و مردان اهمیت ضرورت اسوه داشتن را تأکید می کند.

شناختن انسان کامل یا انسان نمونه از دیدگاه اسلام، از آن نظر برای ما مسلمین واجب است که حکم مدل و الگو و سرمشق را دارد؛ یعنی اگر بخواهیم یک مسلمان کامل باشیم، چون اسلام می خواهد انسان کامل بسازد و تحت تربیت و تعلیم اسلامی به کمال انسانی خود برسیم، باید بدانیم که انسان کامل چگونه است، سیمای معنوی انسان کامل و مشخصاتش چگونه است تا بتوانیم خود و جامعه خود را آن گونه بسازیم (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۵).

اسوه های قرآنی

گاهی یک فرد مانند حضرت موسی (علیه السلام)؛ «و سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يَبْعَثُ حَيًّا» (مریم (۱۹) آیه ۱۵) درود بر وی روزی که تولد یافت و روزی که می میرد و روزی که زنده برانگیخته می شود.

گاهی فردی را از یک جهت، مانند حضرت مریم (علیه السلام) به جهت پاکدامنی؛ «وَ مَرِيْمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُحْنًا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُنْتِ مِنَ الْقَنِيْنَ» (التحریم (۶۶) آیه ۱۲) و مریم دختر عمران [را مثل زده است] که دامان خود را پاک نگه داشت و در نتیجه از روح خود در او دمیدیم و کلمات پروردگارش و کتاب های او را تصدیق کرد و از اطاعت کنندگان [فرمان های خدا] بود.

گاهی گروه یا اجتماع خاصی را بعنوان یک جامعه آرمانی - که برخوردار از سعادت و خوشبختی بوده و از نظر فرهنگی و تمدن به کمال دست یافته و با بهترین روش ها مردم را به آسایش و آرامش برساند - که برخوردار از آرامش، امنیت، آسایش و رفاه مطلوب است. در آیه: «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (النحل (۱۶) آیه ۱۱۲) و خدا [برای پندآموزی به ناسپاسان] مثلی زده است: شهری را که امنیت و آسایش داشت و رزق و روزی [مردمش] به فراوانی از همه جا برایش می آمد، پس نعمت خدا را ناسپاسی کردند، در نتیجه خدا به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می شدند، بلای گرسنگی و ترس فراگیر را به آنان چشاند.

گاهی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را از تمام جهات اسوه کامل بیان می‌کند و می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (الأحزاب (۳۳) آیه ۲۱؛ طباطبایی، ۱۳۶۳: ۳(۳۲/۱۴۴) در حالی که شما می‌توانستید به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به خوبی تأسی کنید، و این وظیفه هر کسی است که امید به خدا و روز جزا دارد، و بسیار یاد خدا می‌کند. گاهی از اسوه‌های پاکی و نیکی و گاهی از اسوه‌های زشتی و پلیدی. بنابراین اسوه شخصی است که به سبب دارا بودن خصلت یا خصلت‌هایی، شایستگی و لیاقت می‌یابد تا مقتدا و سرمشق علمی و عملی دیگران باشد. لازم است بدانیم؛ اگر انسانی وارسته شد الگوی دیگر انسان‌هاست. اگر مرد است الگوی مردم است نه مردان، و اگر زن است باز الگوی مردم است نه زنان. این مطلب را قرآن کریم به صورت صریح روشن کرده و چهار زن را به عنوان زن نمونه (دو نمونه خوب و دو نمونه بد) ذکر می‌کند. زن، چه بد و چه خوب نمونه زنان نیست، زن نمونه است. فرق است بین این دو مطلب که اگر زن خوب شد، آیا نمونه زن می‌باشد یا زن نمونه است؟ چه این که مرد اگر خوب، نمونه مردان نیست بلکه مرد نمونه است. قرآن کریم می‌فرماید: آن که خوب است نمونه مردم است نه نمونه مردان و زن خوب، نمونه زنان نیست بلکه زن نمونه است، چه این که زن بد، نمونه زنان بد نیست، بلکه نمونه انسان‌های بد است. (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۵۳). بنابراین؛ یکی از وظایف شیعیان اسوه و مقتدا داشتن است تا در اعمال و رفتار از او پیروی کنند.

اقسام اسوه‌های قرآنی

۱. اسوه‌های پسندیده، جامعه پسندیده: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا...» (النحل (۱۶) آیه ۱۱۲) خدا مثلی می‌زند، دهکده‌ای که امن و آرام بود و روزیش از هر طرف به فراوانی می‌رسید آن گاه منکر نعمت‌های خدا شدند و خدا به سزای اعمالی که می‌کردند پرده گرسنگی و ترس بر آنها کشید.

ابراهیم (علیه السلام) و پیروانش: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ...» شما الگوی خوبی در ابراهیم و پیروان او دارید، به یاد آرید آن زمان را که به قوم خود گفتند ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم، به شما کافریم و از همین امروز برای ابد اعلام قطع رابطه خویشاوندی و اعلام دشمنی و کینه می‌کنیم تا روزی که به خدای یگانه ایمان آورید. باقی می‌ماند سخنی که ابراهیم به پدرش گفت، و آن بود که من فقط می‌توانم از خدا برایت طلب مغفرت کنم و از ناحیه خدا هیچ کار دیگری نمی‌توانم صورت دهم. و همگی گفتند پروردگارا بر تو توکل و به سوی تو انا به نمودیم که بازگشت به سوی تو است. (الممتحنه (۶۰) آیه ۴) و آیه: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ...» (الممتحنه (۶۰) آیه ۶) بی‌تردید برای شما در [روش و شیوه] آنان سرمشقی نیکوست، برای کسی که به خدا و روز قیامت امید دارد. و هر کس [از اقتدای به آن روش و شیوه] روی برگرداند [زیانی به خدا نمی‌رساند]؛ زیرا خدا همان بی‌نیاز و ستوده است.

۲. آسیه همسر فرعون، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس و لوط

۳. اسوه‌های هدایت: «وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ إِيَّوَبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (الأنعام (۶) آیه ۸۴) و اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم، همه را هدایت کردیم، و نوح را نیز پیش از ابراهیم و فرزندانش داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون هدایت نمودیم، و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم. و «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَّتْهُمْ أَقْتَدَهُ قُلُوبُهُمْ»

لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (الأَنْعَامُ (٦) آیه ٩٠) آنان [که آیات گذشته به عنوان پیامبران از ایشان یاد شد] کسانی هستند که خدا هدایتشان کرد، پس به هدایت آنان اقتدا کن [و به قوم خود] بگو: در برابر رسالتم پاداشی از شما نمی‌خواهم، این [قرآن] جز تذکر و پندی برای جهانیان نیست.

۴. اسوه شاخص و ممتاز، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» و «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَيَّ عَقْبَيْهِ...» (الاحزاب (٣٣) آیه ٢١) و ما شما را اینچنین امتی وسط قرار دادیم تا شاهدان بر سایر مردم باشید و رسول بر شما شاهد باشد و ما آن قبله را که رو به آن می‌ایستادی قبول نکردیم مگر برای اینکه معلوم کنیم چه کسی رسول را پیروی می‌کند و چه کسی به عقب بر می‌گردد هر چند که این آزمایش جز برای کسانی که خدا هدایتشان کرده بسیار بزرگ است و خدا هرگز ایمان شما را بی اثر نمی‌گذارد که خدا نسبت به مردم بسیار رؤوف و مهربان است.

۵. اسوه‌های ناپسند: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» (التحریم (٦٦) آیه ١٠) تحریم خدای تعالی برای کسانی که کافر شدند مثلی زده و آن همسر نوح و همسر لوط است که در تحت فرمان دو نفر از بندگان صالح ما بودند، و این دو زن به آن دو بنده صالح خیانت کردند و همسریشان با پیامبران هیچ سودی برایشان نکرد و از عذاب خدا جلوگیری نشد و به ایشان گفته شد داخل آتش شوید همانطور که بیگانگان با انبیا داخل می‌شوند.

شرایط اسوه‌گیری

اسوه بر دو محور کلی ارزش‌ها و روش‌ها استوار است. ارزش‌ها ثابت می‌باشند و همان شایستگی و انسان کامل و هدایت شده الهی است که دارای مقاماتی از جمله؛ مقام ولایت الهی است. روش‌ها، همان سبک و سیره است؛ اما متناسب با مقتضیات زمانی متغیر می‌شود.

در اسوه‌گیری سنخیت، عینیت، قابلیت و مقبولیت، عناصر مهمی هستند که در تقسیم‌بندی مذکور قرار می‌گیرد. معصومین (علیهم السلام) از سنخ بشر هستند و وجودشان در این دنیا عینیت دارد و به سبب ارزش‌های والایی که دارند از قابلیت ویژه‌ای برخوردارند و محبوبیت بی‌نظیر آنان موجب می‌شود. که انسان‌ها آنان را اسوه و مقتدای خویش قرار داده و با سعی و تلاش پا جای پای آنان گذارند.

هرچه اسوه انتخاب شده از کمالات و فضائل بیشتری برخوردار باشد شایستگی بیشتری برای اسوه بودن را در راستای تربیت متعالی انسان‌ها دارد. امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: امام همچون خورشید درخشان است که نورش جهان را فرا می‌گیرد و خود چنان در افق بلندمرتبه‌گی قرار دارد که دستها و دیدگان به او نمی‌رسد (کلینی، ۱۳۸۸: ۱/۲۰۰). در زیارت جامعه کبیره که با آن می‌توان هر یک از امامان (علیهم السلام) را زیارت کرد چنین آمده است:

«... كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَ وَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى وَ فِعْلُكُمْ الْخَيْرُ وَ عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكِرَامُ وَ شَأْنُكُمْ الْحَقُّ وَ الصِّدْقُ وَ الرَّفْقُ وَ قَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَ حَمَمٌ وَ رَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَ حِلْمٌ وَ حَزْمٌ إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَ أَصْلُهُ وَ فَرَعُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مَأْوَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۹/۱۲۷). سخن شما نور است، امر شما رشد، سفارش شما تقوا، کار شما خیر، شیوه شما احسان، خوی شما کرم، شأن شما درستی و راستی و مدارا، گفته شما حکم و حتمی، رأی

شما دانش است و بردباری و دوراندیشی. اگر از خیر یاد شود، شما آغاز و ریشه و شاخه و معدن و جایگاه و فرجام آن هستید.

زائر با شمردن صفات کمال و فضائل آن بزرگواران خود را به افق معرفت آنان نزدیک می‌کند و در ادامه زیارت چنین بیان می‌شود: «... فَتَّبَتْنِيَ اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَى مَوَالِيكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ وَ دِينِكُمْ وَ وَقَفْتَنِي لَطَاعَتِكُمْ وَ رَزَقْتَنِي شَفَاعَتِكُمْ وَ جَعَلْتَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمْ التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ وَ جَعَلْتَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ آثَارَكُمْ وَ يَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ وَ يَهْتَدِي بِهُدَاكُمْ وَ...» (همان) پس خداوند، مادامی که زنده ام، مرا در ولایت و دوستی و دین و آیین شما ثابت بدارد و مرا موفق به اطاعت از شما و بهره‌مند از شفاعت شما بگرداند و از دوستاناران نیکتان قرارم دهد که به هر چه فرا خواندید، پیروی کردند، و مرا از آنان که در پی آثار شما رفتند و سالک راهتان بودند و هدایت شما را پذیرفتند، بگرداند...

زائر بعد از سیر معرفتی، محبت خود را به حکم عقل، به پیشگاه صاحبان اوصاف ابراز و از خداوند استمرار چنین محبتی را طلب می‌کند سپس زندگی واقعی را در استمرار بر پیروی عملی از آنان و روش آنان می‌بیند و خواستار توفیق الهی می‌شود و این جنبه اسوه بودن از شاخصه‌های اصلی امامت است.

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) اسوه

فاطمه (سلام الله علیها) اسوه و الگو و مقتدا برای تمام انسان‌ها است. در روایتی الگو و اسوه بودن حضرت زهرا (سلام الله علیها) به خوبی تصریح شده است. امام مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) در توقیع شریفی می‌فرماید: «وَفِي ابْنِهِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» دختر رسول خدا، اسوه مناسبی برای من است. (الطوسی، ۱۴۱۱: ۲۸۶).

امام حسن عسکری (علیه السلام)، حضرت زهرا (سلام الله علیها) را حجت بر امامان معرفی کرده است: «نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ، وَ فَاطِمَةُ حُجَّةٌ عَلَيْنَا». ما حجت خدا بر مخلوقات هستیم و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) حجت خدا بر خود ماست (بحرانی اصفهانی، بی تا: ۱۱/۷). این روایت، در جای دیگری با این عبارت ذکر شده است: «نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَ جَدَّتْنَا فَاطِمَةُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْنَا» ما حجت خدا بر خلق هستیم و مادر ما فاطمه (سلام الله علیها) حجت خدا بر ماست (طیب، ۱۳۷۸: ۱۳/۲۲۵).

در هر سه روایت به الگو گرفتن و اسوه داشتن اشاره دارد سپس؛ الگو را معرفی و مشخص نموده؛ از آنجا که عمل معصوم برای ما حجت قطعی است، معرفی شخص از سوی امام (علیه السلام) به عنوان الگو و اسوه، روشن کننده راه و از سوی دیگر مقام و منزلت و علو درجات شخص معرفی شده است؛ زیرا معرفی الگو و اسوه از جانب امام معصوم نمایانگر عدم نقصان در اعمال و رفتار او است و معرفی حضرت زهرا (سلام الله علیها) به عنوان الگو و اسوه از سوی امام (علیه السلام) همین نتایج و ثمرات را دارد و راه و وظایف ما را در سیر حرکت به سوی کمال و سعادت، مشخص می‌کند.

اقسام اسوه‌پذیری از حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

۱. اسوه‌پذیری مستقیم

الگوپذیری مستقیم آن است که گفتار و کردار آن حضرت (سلام الله علیها) را عیناً در برنامه و راه و رسم زندگانی خویش قرار دهیم. در موارد بسیاری، گفتاری خاص یا رفتاری مشخص از ایشان با همان قالب رفتاری می‌تواند اسوه و الگوی ما قرار گیرد. مثلاً می‌شنویم که حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در پی هر نماز واجب ذکر مخصوصی داشتند (۳۴ مرتبه الله اکبر، ۳۳ مرتبه الحمد لله، ۳۳ مرتبه سبحان الله) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۲-۸۳/۴۳) که دستورش بعنوان هدیه‌ای عظیم از جانب پدر بزرگوارشان بوده - از افضل تعقیبات است؛ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: تسبیح فاطمه (سلام الله علیها) در هر روز بعد از نماز نزد من محبوب‌تر از هزار رکعت نماز است. - و همواره بر آن مداومت داشتند و به شیعیان خویش نیز توصیه می‌فرمودند. بنابراین ما نیز به آن حضرت (سلام الله علیها) اقتدا می‌کنیم و همان ذکر را با همان ترتیب بعد از هر نماز واجب می‌گوییم. چنین اقتدایی به آن بزرگوار، اسوه‌پذیری مستقیم نامیده می‌شود.

۲. اسوه‌پذیری غیر مستقیم

الگوپذیری غیر مستقیم آن است که روح و حقیقت گفتار یا کردار آن اسوه را درک نموده و با تجلیل و استنباط از سیره علمی و عملی ایشان، وظیفه خویش را در ابعاد زندگی (فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ...) دریابیم.

ویژگی‌های شخصیتی حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

بیان تمام ویژگی‌ها و ابعاد شخصیتی آن حضرت از توان یک انسان غیر معصوم خارج است؛ تنها با توسل به حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) و واکاوی در روایات و با استناد به کتاب فصیح حکمه عصمتیه فی کلمه فاطمیه در حد بضاعت به ویژگی‌های آن بانوی بزرگوار اشاره می‌کنیم.

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) هر چند مقام اجرایی چون نبوت و امامت نداشت اما به تمام مقامات معنوی که برای یک بشر ممکن است، دست یافته بود. او معجزه تاریخ و افتخار عالم وجود است. امام راحل؛ درباره شخصیت ملکوتی و ابعاد معنوی آن بانو می‌گوید: «تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است در فاطمه زهرا (سلام الله علیها) جلوه کرده و بوده است. یک زن معمولی نبوده است، یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام انسان، او زن معمولی نیست، او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است، بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است ... تمام هویت‌های کمالی که در انسان متصور است و در زن تصور دارد تمام در این زن است ... زنی که تمام خاصه‌های انبیاء در اوست. زنی که اگر مرد بود، نبی بود، زنی که اگر مرد بود به جای رسول الله ... انسانی است که به تمام معنا انسان، زنی است به تمام معنا زن. از برای زن ابعاد مختلفی است؛ چنانچه برای مرد، و برای انسان. این صورت طبیعی نازل‌ترین مرتبه انسان است و نازل‌ترین مرتبه مرد است؛ لکن از همین مرتبه نازل حرکت به سوی کمال است ...» (خمینی، ۱۳۷۹: ۷/۳۲۷).

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) مظهر نفس کل است که در بردارنده ملک و ملکوت، غیب و شهادت و قوس نزول (سیر تنزل انسان از عالم اسماء و صفات الهی به عالم طبیعت است.) و صعود هستی (حرکت از عالم طبیعت به عالم ماوراء که موفق به لقاء الله می‌شود.) است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹: ۱۶). در فرازی از زیارت جامعه

می خوانیم: «وَإِيَابِ الْخَلْقِ وَإِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ». (قمی، ۱۳۸۷: ۹۹۹). بازگشت مردم در قیامت بسوی شماست و رسیدگی به پرونده آنان برعهده شماست.

امیرالمومنین علی (علیه السلام) مظهر عقل کل و سیده نساء عالمین، حضرت فاطمه (سلام الله علیها) مظهر نفس کل است و عقل و نفس و قلم و لوحند. (حسن زاده آملی، ۱۳۷۹: ۱۶).

عقل کلی در اصطلاح روایی همان قلم اعلی و نفس کلی همان لوح محفوظ است. رابطه بین عقل و نفس، مانند رابطه بین قلم و لوح است، یعنی عقل به امر خدا افاضه نور معرفت می کند و نفس جنبه پذیرندگی دارد. در حقیقت نسبت عقل کلی به عالم مثل نسبت روح (عقل مجرد تام) به انسان است و نسبت نفس کل با عالم مثل نسبت قلب انسان با انسان است. یعنی عقل جنبه دهش و فاعلی داری و نفس جنبه قبول و گیرایی. بنابراین عقل کل و نفس کل را می توان اصل تمام فعل و انفعالات عالم کثرت دانست. اگر چه این دو حقیقت نیز جز افاضه و تجلی وجود یگانه حق تعالی نیست.

در سیر صعودی نفسانی، انسان این قابلیت را دارد که مظهر تام عقل کل و نفس کل شود. اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) چون انسان های کامل هستند جامع جمیع عوالم بوده و از حیث روح و عقل، کتاب عقلی هستند که ام الکتاب نامیده شده اند و از حیث قلب، لوح محفوظ هستند. یعنی در حقیقت انسان کامل را از آن جهت که قبول فیض از عوالم الهی می کند نفس کل و از آن جهت که دارایی خویش را به مادون خود عرضه می - دارد از آن تعبیر به عقل کل می کنند.

امیرالمومنین علی (علیه السلام) را از آنجا که بعد از پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) در مقام صادر اول است، اولین انسان کاملی می دانیم که همه حقایق را به عالم مادون عطا می نماید. او را مظهر اتم قلم اعلی و عقل کلی می شناسیم و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) را که در میان تمام بانوان عالم فقط اوست که صاحب مقام عصمت است، به عنوان جامع ترین حقیقت قبول فیض الهی می دانیم چرا که در وجه عطا و قبول، این زن است که در تمامی شئون مظهر قبول فیض است و مرد در تمامی شئون خود جنبه فاعلی دارد. بنابر این طبق روایات عقل کل همان عقل قدسی و اولین مخلوق است و نفس کل همان قلبی است که خانه خداست و وسعت آن از زمین تا آسمان بیشتر است. فرازی از زیارت جامعه بر همین مطلب دلالت دارد: «أرواحكم في الأرواح، و نفوسكم في النفوس، و أجسامكم في الأجسام» (همان). در واقع روح ولی، روح کل و نفس او، نفس کل و جسم او، جسم کل است. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) انسان کامل (همان: ۷۰)، خلیفه الهی و حجت بالغه حق است (همان: ۷۲).

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) میوه درخت وجود است که غایت حرکت ایجاد و وجودی است (همان)؛ لذا ایشان شجره طیبه ای است که هر زمان و مکان، میوه های شیرین و دل نشینی دارد و مایه برکت و خیر کثیر بلکه کوثر است. حسن زاده آملی به نقل از الفردوس، تنزیه الشریعه و تهذیب تاریخ دمشق می نویسد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «أنا شجره، و فاطمه حملها، و علی لقاحها، و الحسن و الحسين ثمرها، و المحبون لأهل البيت ورقها من الجنة حقاً حقاً» من به درختی مانم که فاطمه باردان آن و علی بارور سازنده آن، حسن و حسین میوه آن و دوستاناران خاندانم برگ های آن درخت اند که آن درخت و توابعش از بهشت اند (همان: ۷۳).

خداوند تعالی می فرماید: «ألم تر كيف ضرب الله مثلاً كلمه طيبه كشجره طيبه أصلها ثابت و فرعها في السماء» (ابراهیم ۱۴) آیه ۲۴) آیا ندانستی که خدا چگونه مثلی زده است؟ کلمه پاک [که اعتقاد واقعی به توحید

است [مانند درخت پاک است، ریشه‌اش استوار و پابرجا و شاخه‌اش در آسمان است. این آیه حکایت از مضمون حدیث مذکور دارد.

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) حقیقت ام‌الکتاب و مصداق اتم آیه کریمه هستند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹: ۸۹): «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا الْوَلُؤُؤُ وَ الْمَرْجَانُ» (الرحمن ۵۵) آیه ۲۲-۱۹) دو دریای [شیرین و شور] را روان ساخت در حالی که همواره با هم تلاقی و برخورد دارند [ولی] میان آنها دو حایلی است که به هم تجاوز نمی‌کنند [در نتیجه با هم مخلوط نمی‌شوند]. از آن دو دریا لؤلؤ و مرجان بیرون می‌آید که از دریای وجودشان لؤلؤ و مرجان گرانقدری همچون امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) پدید آمده‌اند.^۳

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) مطلع انوار علوی، مشکات ولایت صندوق علم و ظرف معرفت است. «إِنِّي خَلَقْتُكَ وَ خَلَقْتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ مِنْ شَبْحِ نُورٍ، ثُمَّ عَرَضْتُ لِأَيَّتِهِمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ وَ سَائِرِ خَلْقِي وَ هُمْ أَرْوَاحٌ فَمَنْ قَبَلَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُقَرَّبِينَ وَ مَنْ جَحَدَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْكَافِرِينَ.» (مجلسی، ۱۳۹۸: ۲۶/۳۰۷؛ سعادت پرور، ۱۳۷۴: ۳۱). تحقیقاً من، تو و علی و فاطمه و حسن و حسین را از شبح و سایه نور خلق کردم و سپس ولایت ایشان را بر ملائکه و سایر مخلوقاتم، در حالی که ارواح بودند، عرضه داشتم. هر کس که ولایت ایشان را پذیرفت، نزد من از مقربین محسوب گردید و هر کس انکارشان کرد، از کافرین است.

دلالت بر تقدّم و شرافت خلقت نوری و تمثلی ایشان بر سایر مخلوقات و مقام نورانیت آن حضرت دارد و منظور از مقام نورانیت، ولایت کلیّه الهیه است که همان مقام خلافت و تصرف در عالم است. در روایتی از امیر المومنین علی (علیه السلام) در جواب به ابوذر غفاری و سلمان فارسی (رضوان الله تعالی)، از این مقام به نور تعبیر نموده و درباره معرفت آن حضرت به نورانیت، می‌فرماید: «... مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ وَ هُوَ الدِّينُ الْخَالِصُ...» ... شناخت من به نورانیت، شناخت خداوند عزوجل می‌باشد و شناخت خداوند عزوجل، شناخت من به نورانیت است و آن دین خالص است... (مجلسی، ۱۳۹۸: ۲۶/۱؛ سعادت پرور، ۱۳۷۴: ۳۸).

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) ام‌الائمة و ام‌ایهاست (و آیه مباحله دلالت بر تفضیل فاطمه معصومه (سلام الله علیها) ام‌ایها و ام‌الائمة بر همه زنان عالم دارد) و دلالت بر مقام عصمت ایشان است. لذا انسیه‌ی حوراء و عصمت کبرای الهی است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹: ۱۱۳).

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) دارای همسری است معصوم (همان: ۱۳۳)، انسان کامل، صاحب مقام ولایت کلیه و امامت حقیقیه و حجت تام و کامل حق و نقش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است و اگر علی (علیه السلام) نبود کفوی برای فاطمه (سلام الله علیها) نبود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند خداوند تعالی فرمود: «يَا أَحْمَدُ، كَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتَ الْأَفْلَاكَ وَ كَوْلَا عَلِيًّا لَمَا خَلَقْتَكَ وَ كَوْلَا فَاطِمَةَ لَمَا خَلَقْتُمَا.» ای احمد، اگر تو نبودی اَفلاک و جهان را خلق نمی‌کردم، و اگر علی نبود تو را نمی‌آفریدم، و اگر فاطمه نبود تو و علی را خلق نمی‌کردم (طباطبایی، ۱۳۹۸: ۱۶۸، به نقل از کشف‌الثالی؛ با ذکر سند حدیث). لذا حضرت فاطمه (سلام الله علیها) مقصود هستی و غایت آفرینش است که هستی و آفرینش به طفیل وجود او ظهور یافت.

«عَلِيَّتُهَا فِي خَلْقِهِ السَّمَاءِ، وَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ، وَ الْعَرْشِ وَ الْكُرْسِيِّ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْأَنْسِ وَ الْجِنِّ، شَأْنِ أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا.» (چایچیان، ۱۳۷۷: ۱۰۷) فاطمه (سلام الله علیها)، همتای پدر و همسر و فرزندانش سبب آفرینش آسمانها و زمین، بهشت و دوزخ، عرش و کرسی فرشتگان و انس و جن بوده است.

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) مصداق آیاتی چون؛ مباحله^۴ (آل عمران (۳) آیه ۶۱) - که دلیل قوی بر فضل اصحاب کساء (علیهم السلام) است. ایشان حقیقتاً محور آل کساء و خامس آل عبا هستند (حسن زاده آملی، ۱۳۷۹: ۱۴۶) - تطهیر^۵ (الأحزاب (۳۳) آیه ۳۳)، مودت^۶ (الشوری (۴۲) آیه ۲۳)، هل اتی^۷ (الدّهر (۷۶) آیه ۹-۸) و مقربین^۸ (الواقعه (۵۶) آیه ۸۸) است.^۹

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) لیل القدر (حسن زاده آملی، ۱۳۷۹: ۲۰۴) و یوم الله (همان: ۲۳۶) و جامع جمیع وجودی و کمالی هستند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» أَلَيْلَةُ فَاطِمَةَ وَالْقَدْرُ اللَّهُ، فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا. (مجلسی، ۱۳۹۸: ۴۳/۶۵، روایت ۵۸) تأویل لیل در «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» فاطمه است و تأویل قدر، الله تبارک و تعالی است. لذا هر کس فاطمه را به حقیقت شناسایی شناخت، شب قدر را درک نموده است و از آن جهت وی فاطمه نامیده شد که مخلوقات و بشر از معرفت و شناسایی او باز گرفته شده‌اند (او را آن گونه که هست نمی‌شناسند).

بنابراین حضرت فاطمه (سلام الله علیها) تأویل سوره قدر و دخان است و حضرت به مقام نورانیت، حقیقت قرآن تلقی می‌شود زیرا ایشان یکی از معصومین هستند و در منزلت و مقام نورانیت هم‌ردیف رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) می‌باشند و از جهت خلقت بشری نیز با ایشان مشترک بوده و قرآن در ظرف وجودی او نازل شده است و «قدر» به الله تفسیر شده شاید به اعتبار جامعیت آن بانوی بزرگ در تجلیات اعظم الهی است. یوم الله - پیامبر فرمود: با ایام دشمنی نکنید که با شما دشمنی می‌کنند. در بیان ایام پیامبر فرمودند: تا آسمان‌ها و زمین برقرارند، آن ایام ماییم. (حسن زاده آملی، ۱۳۷۹: ۲۰۵) - انسان کامل در عصر محمدی، ظرف حقایق قرآن ناطق است.

عبدالله بن عجلان گفت: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: خانه علی و فاطمه و حجره رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و سقف خانه‌شان عرش رب العالمین، و در انتهای خانه‌هاشان، شکافی است که از آن تا عرش، پرده از معراج وحی برداشته شده، و ملائکه صبح و شام و هر ساعتی و هر لحظه با وحی بر آنان نازل می‌شوند و فرشته فوج ملائکه فرود آینده و قطع نمی‌شود، گروهی فرود می‌آیند و دستهای بالا می‌روند. همانا خداوند تبارک و تعالی برای ابراهیم از آسمانها پرده برداشت تا آنکه عرش را دید و خدا به قوت دیده او افزود، و همانا خداوند بر قوت دیده محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین (علیهم السلام) نیز بیفزود (چنانکه) عرش را مشاهده می‌کردند و جز عرش سرپوشی برای خانه‌هایشان نمی‌دیدند، خانه‌هاشان به عرش رحمان مسقف است و معراج‌های ملائکه و روح در خانه‌های ایشان است، به اذن پروردگارشان «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ»، راوی می‌گوید پرسیدم؟ فرمود: بَکُلِّ أَمْرٍ. عرض کردم: این چنین نازل شد؟ فرمود: آری (خمینی، ۱۳۷۰: ۳۳۰). خانه ای با این ویژگی و جایگاهی چنین، بیانگر عظمت مقام والای معنوی آن بانوی بزرگوار است.^{۱۰}

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) قرآن ناطق، بنیه - سینه رسول خدا، میوه دل و پاره تن رسول خدا، «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، مَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَهَا» فاطمه پاره تن من است، هر کس او را خشمگین کند، مرا به خشم آورده است. (چایچیان، ۱۳۷۷: ۹۲؛ مجلسی، ۱۳۹۸: ۴۳/۹۲) و قطعاً خداوند را خشمگین نموده - ایشان مفسر حقیقی قرآن و از مصادیق اتم و اجمل راسخان در علم و تأویل شناسان است.

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) صاحب قیام ولایت الهیه و نبوت مقامی (حسن زاده آملی، ۱۳۷۹: ۲۴۷) است کسی که این مقام را داراست: کلمه تامه حق، وجه ربّ، صراط مستقیم الهی - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

فرمود: «أَنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلِيًّا وَرَوْجَتَهُ وَأَبْنَاءَهُ حُجَجَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَهُمْ أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِي أُمَّتِي، مَنْ اهْتَدَى بِهِمْ هُدِيَ أَلَى صِرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ» (بحرانی اصفهانی، بی تا: ۱۱/۷۸) خداوند برتر علی و همسرش و فرزندان را حجت‌های خویش بر مردم قرار داد و آنان دروازه‌های علم و دانش در میان امت من هستند. از این رو، هر کس به آنان تمسک جوید به صراط مستقیم راه یافته است. و جبل متین خدای سبحان است و صاحب قلب و مقام احسان و شهود ربّ و جامع قرآن انزالی و تنزیلی است. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) صاحب معرفت ناب، حکمت زلال و علوم لدنی و افاضی الهی است.

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) محدّثه (حسن زاده آملی، ۱۳۷۹: ۲۸۸) و محدّثه (همان: ۳۰۴) است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: فاطمه از آن جهت محدّثه نامیده شد که ملائکه از آسمان فرود می‌آمدند و با ایشان سخن می‌گفتند: «أَنَّ اللَّهَ اصْطَفَيْكَ وَ طَهَّرَكَ وَ اصْطَفَيْكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران (۳) آیه ۴۲) ای فاطمه، خداوند تو را برگزید و پاکیزه گردانید و بر زنان عالم برگزید. یا فاطمه «أَقْتِي لِرَبِّكَ وَ اسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّاَكِعِينَ» (آل عمران (۳) آیه ۴۳) ای فاطمه، در پیشگاه پروردگارت فروتنی نما و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع نما. و بدین ترتیب وی با ملائکه و ملائکه نیز با وی سخن می‌گفتند. در ادامه روایت می‌فرماید: شبی فاطمه به ملائکه فرمود: مگر مریم، دختر عمران برگزیده و برتر از تمام زنان عالم نیست؟ آنها گفتند: مریم تنها سیده و سرور زنان عالم در زمان خود بود، ولی خداوند عزوجل تو را سیده و سرور زنان عالم در زمان خود و زمان مریم و سیده زنان اولین و آخرین قرار داده است. (مجلسی، ۱۳۹۸: ۴۳/۷۸، روایت ۶۵) حضرت فاطمه (سلام الله علیها) سیده نساء عالمین از اولین تا آخرین است.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ... بدانید که ما فرزندان عبدالمطلب سادات اهل بهشت هستیم؛ من و علی و جعفر و حمزه و حسن و حسین و فاطمه و مهدی (هلالی، ۱۳۸۶: ۵۴۹).

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) صاحب وحی انبائی (مقامی) و سدیدی و مخاطب جبرئیل امین (علیه السلام) و صاحب صحیفه فاطمیه^{۱۲} است که علم ما کان مایکون و هو کائن در آن درج شده (رخدادهای گذشته و حال و آینده و آنچه را تا روز رستاخیز رخ می‌دهد را نوشته) و اینک در دست با کفایت بقیه الله الاعظم (عج الله تعالی فرجه الشریف) است.

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) مخاطب به خطاب «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ، إِرْجِعِي إِِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً، فَأَدْخُلِي فِي عِبْدِي، وَ ادْخُلِي جَنَّتِي» (فجر (۸۹) آیات ۲۷-۳۰) و دارای مقام جنت ذات و لقای ربّ و وصال محبوب است.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: چون روز قیامت شود؛ دخترم فاطمه بر ناقه‌ای از ناقه‌های بهشت به محشر رو کند که دو پهلویش نگار دارد و مهارش از لؤلؤ تر و چهارپایش از زمرد سبز و دمش از مشک اذفر و دو چشمش از یاقوت سرخ است بر پشت آن قبه‌ایست از نور که برونش از درونش دیده شود و درونش از برونش درون آن گذشت خداست و برونش رحمت خدا بر سر آن مخدّره تاجی است از نور که آن تاج هفتاد رکن دارد و هر رکنی مرصع بدّرّ و یاقوت است بدرخشد چنانچه بدرخشد اختر فروزان در افق آسمان و بر سمت راستش هفتاد هزار فرشته باشد و بر چپش هفتاد هزار فرشته و جبرئیل مهار آن ناقه را گرفته و به بانک بلند فریاد کشد دیده بر هم نهید تا فاطمه دختر محمد بگذرد نماند در آن روز پیغمبر و رسول و نه صدیق و شهیدی جز آنکه همه دیده بر هم نهند تا فاطمه بگذرد و خود را برابر عرش پروردگارش جل جلاله رساند و از ناقه به زیر اندازد و

گوید معبودا سیدا حکم کن میان من و هر که به من ستم کرده خدایا حکم کن میان من و هر کس که فرزندانم را کشته بناگاه پاسخی از طرف خدای جل جلاله در رسد که ای حبیبم و زاده حبیبم از من بخواه تا عطا شوی و شفاعت کن تا پذیرفته گردد به عزت و جلالم سوگند که ستم ستمگر را کیفر دهم می گوید معبودم سیدم ذریه و شیعیان و شیعیان ذریه‌ام و دوستانم و دوستان ذریه‌ام را دریاب از طرف خدای جل جلاله ندا رسد کجایند ذریه فاطمه و شیعیان و دوستان او و دوستان ذراری او و آنان در میان فرشتگان رحمت پیش آیند و فاطمه رهبر آنها گردد تا آنها را وارد بهشت کنند (ابن صدوق، بی تا ب: متن ۱۸ مجلس ۵).

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) اساس دین، عماد یقین، موضع سرّ الهی (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹: ۲۳۷) و کشف قرآن کریم (همان: ۲۵۸) و دارنده خصایص حق ولایت است.

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) مظهر علم و عمل الهی و عمل صالح و اسوه کمال وجودی در ساحت علمی و عینی است. و در ذکر نام شریف ایشان، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: فاطمه (سلام الله علیها) را فاطمه نامیده‌ام؛ زیرا خداوند او و دوستدارانش را از آتش بازداشته است. و نام او نیز از نام خداوند فاطر گرفته شده است (ابن صدوق، بی تا الف: ۲/۴۱۴) ۱۳.

در این هنگام فاطمه و فرزندان و شیعیان و کسانی که به او محبت کرده‌اند وارد بهشت می‌شوند و این است معنی آیه شریفه: «لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَقُ الْأَكْبَرُ» (الأنبياء (۲۱) آیه ۱۰۳)؛ یعنی وحشت روز قیامت «وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ» (الأنبياء (۲۱) آیه ۱۰۲) آنها به خداوند سوگند فاطمه و فرزندان و شیعیان و احسان‌کنندگان به آنها می‌باشند (مجلسی، ۱۳۷۸: ۱۶۴ و ۱/۲۰۵، روایت ۱۵).

قلم از نوشتن فضایل و مقامات معنوی و انسان از درکِ شخصیت آن بانوی گرامی، عاجز است. خدا را سپاس بیکران که توفیق اندک به حقیر خاکی هدیه نمود تا با یاری از معصومین (علیهم السلام) مختصری از فضایل و مقامات معنوی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را به رشته تحریر در آورم.

نتیجه گیری

اصلی‌ترین ثمره بحث در این مقاله، اسوه بودن حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است که نتایجی به شرح ذیل بدست آمده است:

دین اسلام به عنوان برترین و کامل‌ترین دین، آئینی معتدل و میانه است. این اعتدال درونی‌ترین و شخصی‌ترین احکام و قوانین زندگی تا عمومی‌ترین مسائل اقتصادی و سیاسی جامعه را در برمی‌گیرد. اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) همان انسان‌های معتدل و اسوه‌های الهی برای زندگی بشری و شاهدانی برای درستی و راستی در جامعه برتر معرفی شده‌اند.

فضایل و کمالات ذکر شده گواه بر این است که حضرت از شأن و مرتبه خاصی از شئون برخوردارند. در اخلاق، زهد، عبادت، ایثار، تربیت فرزندان، همسرداری، ام ایها بودنش، امانتداری، معرفت به امام زمانش و دفاع از او و بسیاری دیگر که در این مجال گنجایش آن نبود.

مقامات معنوی آن بانوی بزرگوار، نحوه خلقتش، خلقتش در عالم علوی و سفلی، رحم، ولادت، روز قیامت، روز محشر، ورودش به جنت، شفاعتش، همه گواه بر جایگاه رفیع و اعلاّی ولیّه الهی است.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در همه جا هم‌ردیف حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) بیان شده‌اند و هم کفو بودنش برای حضرت علی (علیه السلام)، گواه بر مقام ولایت کبرای ایشان است. یقیناً کسی که چنین مقامی را دارد - قطعاً مقام نبوت را هم داراست - بنابر این علت آفرینش و کلمه الله و خلیفه الله و انسان کامل الهی است.

انسان کامل همان انسان هدایت شده الهی است که برترین اسوه برای تمام جوامع و اعصار است. خداوند تعالی می‌فرماید: «إِتَّبِعُوا مَنْ لَّا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مُهْتَدُونَ» از کسانی پیروی کنید که پاداشی از شما نمی‌خواهند و خود [نیز] بر راه راست قرار دارند پیروی کنید.

ایشان در قلّه رفیع معرفت قرار دارند و هر کسی که صادقانه از او پیروی کند به همان مقدار ظرف وجودیش واجد اوصاف الهی می‌گردد، در حالی که فاصله او تا اوج قلّه، به اندازه فاصله غیر معصوم با معصوم است. بنابراین التزام خداوند به بیان راه راست و میانه برای آن است که آدمی تنها در این مسیر، با تبعیت و پیروی از ایشان است که می‌تواند جامعه تمدنی و برتر خویش را بسازد و به عنوان خلافت الهی بر زمین، هستی را مدیریت و تدبیر و ربوبیت کند. خداوند تبارک و تعالی بحق محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ما را در سایه ولایت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) محشور نماید.

فهرست منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

منابع فارسی

- ۱- الطوسی، الشیخ ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۴۶۰ق)، کتاب الغیبه، تحقیق الشیخ عباد الله الطهرانی، الشیخ علی احمد ناصح، ناشر موسسه المعارف الاسلامیه، الطبعة الاولى (۱۴۱۱ق).
- ۲- امینی، ابراهیم، بانوی نمونه اسلام، قم، ناشر: شفق، چاپ ششم، (۱۳۷۳).
- ۳- ابن صدوق، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق)، ترجمه کمره‌ای، تهران، ناشر کتابچی، (بی‌تا).
- ۴- _____، خصال، ترجمه کمره‌ای، تهران، ناشر: کتابچی، (بی‌تا).
- ۵- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله (متوفای قرن ۱۲)، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الایات و الاخبار و الاقوال، ایران، قم، ناشر موسسه الامام المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، (۱۳۷۸).
- ۶- جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، نشر اسراء، چاپ اول، (۱۳۷۵).
- ۷- چایچیان، حبیب، فاطمه الزهرا، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ هفتم، (۱۳۷۷).
- ۸- حسن زاده آملی، حسن، شرح فصّ حکمه عصمتیه فی کلمه فاطمیه، تهران، انتشارات سنا، چاپ اول، (۱۳۷۹).
- ۹- خمینی، روح الله، صحیفه امام (ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (۱۳۷۹).
- ۱۰- _____، آداب الصلوة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ پانزدهم، (۱۳۷۰).
- ۱۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، تهران، چاپ دوم، (۱۳۷۴).
- ۱۲- سعادت پرور، علی، جلوه‌ی نور، ناشر تشیع، چاپ دوم، (۱۳۷۴).
- ۱۳- طباطبایی، سید حسین میرجهانی، جنّه العاصمه، تهران، کتابخانه صدر، (۱۳۹۸).

- ۱۴- طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۳۲، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران، کانون انتشارات محمدی، چاپ سوم (۱۳۶۳).
- ۱۵- طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ناشر انتشارات اسلام، (۱۳۷۸).
- ۱۶- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، چاپ ششم، (۱۳۷۱).
- ۱۷- قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، تهران، انتشارات سوره، (۱۳۸۷).
- ۱۸- قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تصحیح علامه عبدالحسین امینی، نجف اشرف، مکتبه مرتضویه، (۱۳۵۶).
- ۱۹- کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، (۱۳۸۸).
- ۲۰- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، ترجمه کمره‌ای، تهران، انتشارات الاسلامیه، چاپ دوم، (۱۳۹۸).
- ۲۱- _____، بحارالانوار الجامعه لدور اخبار الائمة الاطهار(عليهم السلام)، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، (۱۴۰۳).
- ۲۲- _____، بحارالانوار (الایمان و الکفر)، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ اول، (۱۳۷۸).
- ۲۳- مطهری، مرتضی، انسان کامل، تهران، ناشر صدرا، چاپ ۲۲، (۱۳۷۹).
- ۲۴- معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، چاپ هشتم، (۱۳۷۱).
- ۲۵- هلالی، سلیم بن قیس، أسرار آل محمد عليهم السلام، ترجمه اسماعیل انصاری خوئینی، قم، ناشر الهادی، (۱۳۸۶).

منابع عربی

- ۲۶- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم، چاپ اول، (۱۳۸۵).
- ۲۷- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، عبدالسلام محمد هارون، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، (۱۳۹۹).
- ۲۸- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، ناشر دارصادر، چاپ سوم، (۱۴۱۴).
- ۲۹- درویش، محیی‌الدین، اعراب القرآن، ج ۲۱-۲۲، العراق، النجف الأشرف، ناشر کمال الملک، چاپ اول، (۱۴۲۵).
- ۳۰- زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، علی هلالی، کویت، تراث العربی، چاپ دوم، (۱۴۰۷).

پی نوشت ها

^۱ بدیهی است بفرمان خداوند در قرآن: (ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا- حشر آیه ۷) چون پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در مسائل تبلیغی خارج از وحی سخن نمی‌گوید و سنت‌هایش که جدا از متن قرآن است در اكمال و اتمام و تفسیر عملی قرآن است، پس «لقد کان لکم فی رسول الله أسوة حسنة- احزاب آیه ۲۱» و «و ما یطق عن الهوی إن هو إلا وحی یوحی- نجم آیه ۴» و «قل إنما أتبع ما یوحی الی من ربی- اعراف آیه ۲۰۳» تفصیل و جزئیات احکام عملی و اخلاقی که در قرآن نیست همان است که توسط پیامبر و عترت و یاران صدیق و پیروان باحسانش بیان شده که بر اساس آنها فقهای واجد شرایط که از طرف امامان همه شرایط در باره آنها بیان

شده همواره با حرکت تاریخ و جامعه از حقایق و روح قرآن و سنتهای پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) که دین و نعمتی کامل و تمام را برای عموم انسانها بجای گزارد است. راهگشایی مسلمانان بیان شده است و خود قرآن می گوید: «ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا- حشر آیه ۷» و باز فرمود: «لکم فی رسول الله أسوة حسنة- احزاب آیه ۲۱» بدیهی است بیانات و سنت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) علاوه بر خود قرآن است و در حدیثی معروف و متواتر از سوی شیعه و سنی آمده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آخرین ایام حیاتش فرمود: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و سنتی او عترتی» که سنت و عترت در طول تاریخ اسلام مفسر عملی قرآن بوده و در همین کتاب حاضر راغب رحمه الله مشکل ترین معانی را با احادیث به روشنی تفسیر و تبیین نموده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱/۱۷۴).

^۲ متضاد واژه‌ی «اسوه» با توجه به ریشه‌ی معنایی آن به دو دسته تقسیم می‌شود. اگر با توجه به معاجم، ریشه معنایی آن را حزن و اندوه بگیریم؛ در این صورت متضاد آن سرور و شادی می‌شود (زبیدی، ۱۴۰۷: ۹/۱۵۷). در این صورت باید در قرآن به دنبال کلماتی بگردیم که متضمن این کلمات باشند. ولی اگر ریشه معنایی واژه‌ی اسوه را «بهبودی زخم» بگیریم (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱/۷۶) در این صورت متضاد آن افزایش زخم و به تبع آن افزایش درد و اندوه می‌شود. با توجه به معنای مفهومی که از سیاق کلمه در جمله فهمیده می‌شود، متضاد آن مأموم می‌شود. یعنی کسی که به دیگری اقتدا می‌کند (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۱۸۶۵).

^۳ از امام صادق (علیه السلام): علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) بحران عمیقان لایبغی أحدهما علی صاحبه یخرج منهما اللولو و المرجان قال: الحسن و الحسين؛ و فی الخبر، البرزخ محمد (حسن زاده آملی، ۱۳۷۹: ۹۰).

^۴ اجماع امت اسلامی است که در روز مباهله فقط فاطمه، پدر او و شوهر او و دو فرزند او حسن و حسین بوده اند و احدی با آنان نبوده است که اینان همان اصحاب کساء یا پنج تن آل عبا هستند. آیه: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَنِسَاءَکُمْ وَانْفُسَنَا وَانْفُسَکُمْ ثُمَّ بُنِیْلَ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْکَافِرِینَ»

^۵ «إِنَّمَا یُرِیدُ اللَّهُ لِیُدْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا»

^۶ «قُلْ لَّا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَى»

^۷ «وَ یُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَی حَبِّهِ مَسْکِینًا وَ یَتِیمًا وَ سَبِیلًا، إِنَّمَا نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِیدُ مِنْکُمْ جَزَاءً وَ لَا شُکْرًا»

^۸ «فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقْرَبِینَ»

^۹ در الأحزاب (۳۳) آیه ۷۲، «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَیْنَ وَ الْأَرْضُ وَ أَنْ یَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» و البقره (۲) آیه ۳۷، «فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ کَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَیْهِ» و آیه ۱۲۴، «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِمَاتٍ فَاتَمَمَّنَّ» کَلِمَاتٍ وَ فَاتَمَمَّنَّ» در هر دو آیه اشاره به علت خلقت، حضرت فاطمه (سلام الله علیها) دارد. این آیات هر کدام به تنهایی دلالت محکمی بر مقام والای ولایت الهیه آن بانوی بزرگوار دارد.

^{۱۰} متن عربی روایت؛ امام فرمود: «بیت علی و فاطمه حجره رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) سقف بیتهم عرش رب العالمین، و فی قعر بیوتهم فرجه مکشوطه الی العرش معراج الوحی، و الملائکه تنزل علیهم بالوحی صباحاً و مساءً و کلّ ساعه و طرفه عین و الملائکه لا ینقطع فوجهم: فوج ینزل، و فوج یرفع، و إن الله تبارک و تعالی کشف لابراهیم (علیه السلام) عن السموات حتی ابصر العرش و زاد الله فی قوه ناظره و ان الله زاد فی قوه ناظر محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسين (علیهم السلام) و كانوا یبصرون العرش و لا یجدون لیوتهم سقفاً غیر العرش؛ فیوتهم مسقفة بعرش الرحمن و معارج الملائکه و الروح فیها باذن ربهم من کل امر، فقلت هذا التنزیل؟ قال: نعم»

^{۱۱} از آن جهت مُحَدَّثُهُ نامیدن که ملائکه از آسمان فرود می آمدند و او را ندا می کردند.

^{۱۲} از جناب سلمان و عمار است که: فاطمه (سلام الله علیها) علی (علیه السلام) را ندا داد و فرمود: یا علی! اذن لأحدثک بما کان و بما هو کان و بما لم یکن إلی یوم القیامه حین تقوم الناس. علی جان! نزدیک بیا تا از رخدادهای گذشته و حال و آینده و آنچه تا روز رستاخیز رخ خواهد داد، به شما خبر دهم (مجلسی، ۱۳۹۸: ۴۳/۸).

^{۱۳} بیش از صد اسم برای بانوی بزرگوار بیان شده؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) القابی متعدد، به تناسب ابعاد شخصیتی آن بانوی بزرگوار بیان نموده اند. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «أن لفاطمه تسعه اسماء عند الله عزوجل» برای فاطمه (سلام الله علیها) در نزد خدا نه اسم است: فاطمه، الصدیقه، المبارکه، الزکیه، الراضیه، المرضیه، المحدثه، الزهراء و الطاهره. فاطمه؛ از شر و از دوزخ بریده شده است.